

# توقف زمان

How to stop time

مَت ہیگ

برگردان: محمد غفوری

\*\*\*\*\*

## فهرست

- سخن مترجم..... ۹
- بخش اول زندگی میان حشرات آبی..... ۱۳
- سريلانكا، سه هفته قبل..... ۱۸
- لس آنجلس، دو هفته قبل..... ۲۰
- لندن، اکتون..... ۲۸
- لندن، سال ۱۶۲۳..... ۴۰
- لندن، اکتون..... ۴۸
- لندن، سال ۱۸۶۰..... ۵۲
- لندن و سنت آلبنز، بين سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۸۹۱..... ۶۵
- لندن، سال ۱۸۹۱..... ۶۸
- لندن، اکتون..... ۷۲
- انگلستان، شهر سافک، سال ۱۵۹۹..... ۸۱
- لندن، اکتون..... ۸۶
- انگلستان، شهر سافک، سال ۱۵۹۹..... ۹۰
- لندن، اکتون..... ۹۶
- انگلستان، شهر سافک، سال ۱۵۹۹..... ۱۰۰
- بخش دوم مردی به نام آمریکا..... ۱۰۴
- لندن، اکتون..... ۱۰۵
- آسمان خراش‌ها..... ۱۱۶
- جنگل..... ۱۱۶
- انگلستان، شهر سنت آلبنز، سال ۱۸۹۱..... ۱۱۷
- اقیانوس اطلس، سال ۱۸۹۱..... ۱۲۱
- نيویورک، سال ۱۸۹۱..... ۱۲۹
- لندن، اکتون..... ۱۵۰
- بخش سوم رز..... ۱۶۱
- شهر یو، نزدیکی لندن، سال ۱۵۹۹..... ۱۶۲
- لندن، اکتون..... ۱۷۲
- هکنی، نزدیکی لندن، سال ۱۵۹۹..... ۱۷۶
- لندن، اکتون..... ۱۸۸
- لندن، سال ۱۵۹۹..... ۱۹۲
- لندن، اکتون..... ۲۰۲

- ۲۰۵..... لندن، سال ۱۵۹۹
- ۲۱۷..... لندن، اکنون
- ۲۲۳..... لندن، سال ۱۵۹۹
- ۲۴۵..... هکنی، بیرون از لندن، سال ۱۵۹۹
- ۲۴۹..... لندن، اکنون
- ۲۵۳..... پاریس، سال ۱۹۲۸
- ۲۵۸..... لندن، اکنون
- ۲۶۲..... بخش چهارم پیمانست
- ۲۶۳..... شهر بیزی، آریزونا، سال ۱۹۲۶
- ۲۷۲..... لس آنجلس، سال ۱۹۲۶
- ۲۸۰..... لندن، اکنون
- ۲۸۳..... میان پرده‌ای در مورد پیانو
- ۲۸۹..... لندن، اکنون
- ۲۹۷..... لندن، بین سال‌های ۱۶۰۷ تا ۱۶۱۶
- ۳۰۸..... لندن، اکنون
- ۳۱۱..... کنتبری، بین سال‌های ۱۶۱۶ تا ۱۶۱۷
- ۳۲۰..... لندن، اکنون
- ۳۲۸..... پاریس، سال ۱۹۲۹
- ۳۳۰..... لندن، اکنون
- ۳۵۷..... بخش پنجم بازگشت
- ۳۵۸..... پلی موت، انگلستان، سال ۱۷۶۸
- ۳۶۲..... لندن، اکنون
- ۳۷۷..... تاهیتی، سال ۱۷۶۷
- ۳۸۰..... دبی، اکنون
- ۳۸۴..... پلی موت، انگلستان، سال ۱۷۷۲
- ۳۸۶..... جایی بر فراز استرالیا، اکنون
- ۳۸۸..... جزیره هوآهین، مجمع الجزایر، سال ۱۷۷۳
- ۳۹۱..... اقیانوس آرام، سال ۱۷۷۳
- ۳۹۸..... خلیج بایرون، استرالیا، اکنون
- ۴۳۱..... کنتبری، انگلستان، سال ۱۶۱۷
- ۴۳۵..... خلیج بایرون، استرالیا، اکنون
- ۴۴۲..... لندن، اکنون
- ۴۵۴..... جنگل پان، فرانسه، آینده
- ۴۵۹..... قدردانی

## سخن مترجم

قلم و محتوای این کتاب برای خود من چنان ارزشمند و اثر گذار بود که بارها و بارها در حین ترجمه با خودم گفتم که از ویژگی‌ها و ظرافت‌های این اثر در بخشی که به سخن مترجم مربوط می‌شود، اشاره کنم. این ایده همچنان در ذهنم استوار بود تا اینکه نوشته‌ای بس اثر گذارتر و البته تأسّف آورتر باعث شد تمام برنامه‌هایم تغییر کند. در مقاله‌ای مربوط به علم ترجمه که به قلم استاد ابوالحسن نجفی نوشته شده بود، مطلبی را خواندم که مرا به شدت در فکر فرو برد و با خودم عهد کردم تا حداقل در پیش درآمد یکی از آثاری که به قلم من ترجمه می‌شود، آن را بازگو کنم. نوشته‌ای که به بهترین نحو ممکن، اوضاع وخیم ترجمه و صد البته اوضاع وخیم مخاطب متون ترجمه شده در ایران امروز را توصیف می‌کند. آنچه که در ادامه می‌خوانید عیناً کلمات و جملاتی هستند که ابوالحسن نجفی از آن تحت عنوان "فاجعه‌اندیشه" یاد می‌کند:

"خاطرم هست که حدود پانزده سال پیش ناشری به من پیشنهاد کرد که نمایشنامه‌ای از یک نویسنده فرانسوی را به فارسی ترجمه کنم. توجه ناشر به این کتاب به دو دلیل بود که هر دو فروش کتاب را پیشاپیش تضمین می‌کرد: یکی شهرت